

●●● تصویرگر: نرگس دلاوری

چتر بی چتر...

بادشو شهر را زیر و رو کن
ماه را از وسط تا کن امشب
بر سر سفرهٔ باغ بنشین
بقچهٔ ابر را وا کن امشب

نور شو، سایه‌ها را برقصان
هی سبک، هی سبک‌تر، رهاشو
بی صدا غنچه‌ها را بخندان
در دل تنگ فانوس جاشو

برگ شو شاخه‌ها را بپوشان
مهربان باش با این و با آن
دیدنی‌تر شو هر روز و هر فصل
چتر بی چتر، یکریز باران

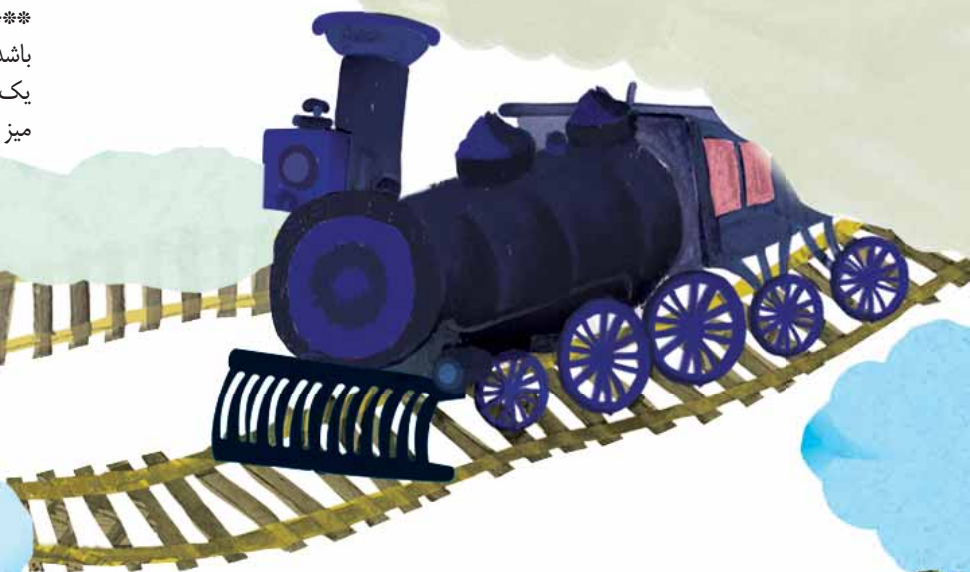
سعیده‌اصلاحی

شکوفه‌های خنده

زیرخاک، دانه‌ها
تشنه می‌شوند
آب می‌خورند
چشم باز می‌کنند
زیر چتر آفتاب
دانه‌ها گیاه می‌شوند
مثل ماه می‌شوند
سبز و شاد
در مسیر باد
تاب می‌خورند
از میان دانه‌ها یکی درخت می‌شود
پای کوه
سربلند و با شکوه
شانه‌های او
آشیانهٔ پرنده می‌شود
دست‌های او پر از شکوفه‌های خنده می‌شود

باشد این همیشه یادمان
یک زمان درخت بود
میز و دقتر و مدادمان

اسماعیل فرزانه





بیشتر بخوانیم

- شاید همین اطراف باشد (مجموعه شعر)
- شاعر: عباسعلی یونسبی
- تصویرگر: فائزه تقی زاده
- ناشر: شکوفه (امیرکبیر)



سهم

شهرها شلوغ
 بوق، بوق، بوق
 دود، دود، دود
 آسمان کی بود
 بین این همه صدا
 پس کجاست
 سهم خواندن پرنده‌ها؟
 پس کجاست
 جیک و جیک و قار و قار؟
 کم کمک تمام می‌شود ترانه‌های خوب
 لذت شنیدن کلاغ در غروب
 آه، ای خدای خوب!

قراری قشنگ

ایستگاه،
 منتظر
 یک قطار
 سوت کشید و رسید
 فاصله‌ها محو شد
 عقربه ساعت شماطه‌دار
 هشت بار
 از سر جایش پرید
 دنگ و دنگ
 وقت قراری قشنگ
 من سبک
 مثل پری توی باد
 گمشده تنهایی من،
 شاد شاد
 پیش تو
 پای ضریح طلا
 عطر گلاب و صلواتی بلند.

مرضیه تاجری

شاعران جهان

سلیمان العیسی

او در سال ۱۹۲۱ در روستای الغیریه نزدیک انطاکیه در سوریه متولد شد و از برجسته‌ترین شاعران معاصر سوریه است. دوره‌های تحصیلی خود را در روستا و بعد انطاکیه، حماه و دمشق گذراند. سپس به عنوان آموزگار، سال‌ها در حلب، از شهرهای سوریه، تدریس کرد. موضوع بیشتر اشعار او میهن، کودک و شادی است. هر گاه از او می‌پرسیدند چرا برای کودکان شعر می‌سرایید، فروتنانه پاسخ می‌داد: «کودکان شادی هستی و عظمت حقیقی‌اند.» ۱۴ مجموعه شعر کودکانه و ۱۵ مجموعه منظوم نمایشی و چند مجموعه نثر و نقد دارد. «آواز بخوانید کودکان»، به همراه «صبح صادق» و «شاعری بین دیوارها» نام چند مجموعه شعر اویند.

●●● صیاد کوچک

نقاشی می‌کشم
 یک پدر،
 یک مادر
 با مداد رنگی‌هایم
 پرچم کشورم را می‌کشم.
 بر بلندای قلعه‌ها
 من هنرمندم
 من صیاد رنگ جادویی‌ام.



۱۵

نوجوان
 ۱۳۹۴ و ۱۳۹۳

ترجمه: مزده پاک سرشت

نشانی

پا به پای آب
 پا به پای باد می‌دوم
 پس نشانی‌ات کجاست؟
 پس چرا به تو نمی‌رسم؟
 شادی بزرگ من تویی
 بی تو شادی‌ام
 برگ‌های پر گرفته
 خاطرات رفته است
 رفته‌ای
 زندگی دلش گرفته است!

محمود پورهاب